

مکتب‌های سیاسی-فلسفی

علم، انسان، فضا، کهکشان، کاینات دموکراسی در یونان

منجمد شده در فکر و خاطرشان در این عصر هرگز نمی‌توانستند بپذیرند که ممکن است دانشمندی پیدا شود که نظریه‌ی جدیدی بدهد و آن باورهای باستانی را زیر سؤال ببرد. بنابراین مقاومتی سرسختانه و مبارزه‌ای مرگ‌بار بین خدا باوران استوره‌ای و علم باوران مدرن صدها سال ادامه داشت. در میانه‌های حکومت پریکلس دانشمندان و خردورزان مراکز علمی آتن موفق می‌شوند سرانجام قانون ستاره شناسی را که از فرضیاتی خرافی سود

و مخصوصاً سیاست برمی‌دارند و به دین‌خانه‌ها می‌پیوندند.

نگاه کنید به فرضیه‌های علمی دانش‌مندان ۲۵۰۰ سال پیش. بی‌گمان بیان هریک از این فرضیه‌های ویران‌کننده مذهب در قرون وسطا از سوی هریک از دانش‌مندان، موجب مرگ فجیع او توسط خدا باوران و دین‌داران مسیحی می‌شد:

قانون آسترونومی (ستاره‌شناسی) در این عصر در هزاران فرضیه‌ی خرافی مذهبی تودرتو در بین دین باوران گره خورده است.

هرگونه حرکت زمین ستاره‌گان، کهکشان، آفتاب، ماه، سیل، توفان، زمین لرزه و... وابسته به اراده یکی از خدایان آسمانی است. دین باوران با آن افکار بسیار کهنه و

«خردورزان آسترونومیست»

ادامه از شماره قبل



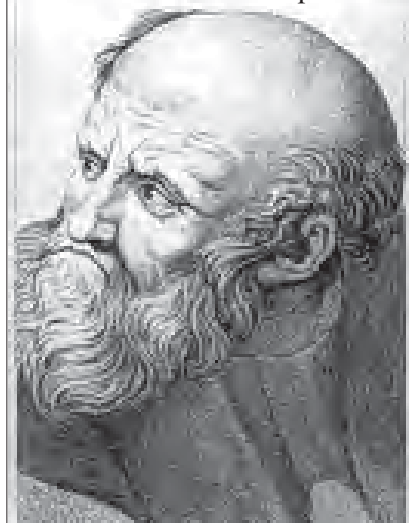
«اندیشه، خرد و علم است که دموکراسی را به بار می‌آورد و جهل و خرافات است که ستم‌گری و دیکتاتوری را خلق می‌کند»

گفته بودیم که عصر پریکلس، عصر قانون، آزادی، دموکراسی و جدایی کامل دین از سیاست بود. خدایان آسمانی در این عصر دست از سر مردم



فلسفه

empedocles



می جست با به بار آمدن دانشمندانی نام آور در زمینه‌ی شناخت کهکشان تحریم کنند.

ویل دورانت می‌گوید: «این عمل بخشی از نزاع آشکار علم و دین بود» آن چه را که دانشمندان پرآوازه صدها سال بعد با ترس و لرز اعلام می‌کنند در ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح **امپیدوکلس**^(۱) بدون ترس می‌گوید: «نور مدتی وقت می‌گیرد تا از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر برسد» **پارامندیس**^(۲) می‌گوید: «زمین شکلی کروی دارد و از پنج بخش بزرگ تشکیل شده است. بخش روشن ماه همیشه رو به سوی خورشید دارد» **فیلولائوس**^(۳) می‌گوید: «زمین مرکز کهکشان و هستی نیست و آن یکی از چندین سیاره‌ای است که به دور «آتش مرکزی» گردش می‌کند» **لئوکیوس**^(۴) می‌گوید: «پیدایش ستاره‌گان معلول

انفجار اجسامی بسیار بزرگ تر است که در یک حرکت دایره‌ای در حول محور اصلی که همان «گرداب نهایی» یا «آتش مرکزی» یا «انفجار اصلی» است گردش می‌کنند و آن گاه از گردش باز می‌ایستد که آن آتش مرکزی خاموش و سرد شود. در آن صورت نظام ریاضی این گردش و مرکزیت منهدم می‌شود» **زی مقراتیس**^(۵) می‌گوید: «کهکشان از ستاره‌گان کوچک و بزرگ دیگری به وجود آمده است که در اطراف نقاط مرکزی می‌چرخند. به بار آمدن و ایجاد کهکشان‌ها حاصل تصادم کره‌های بزرگ و کوچک دیگر و جهان‌هایی است که در حرکت ادواری از مدار خود خارج شده و با جهان‌های دیگر (ستاره‌گان) برخورد کرده و به کره‌ها و جهان‌های کوچک و بزرگ دیگری تبدیل شده‌اند» **اوپویدس**^(۶) می‌گوید: «منطقه البروج»^(۷) دارای انحراف است.

در ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح علوم در تمام زمینه‌ها پیش رفت شگفت‌انگیزی داشتند که با توجه به ابزار و امکانات آن روز، هرگز با آن چه که امروز در جهان قرن بیست و یکم می‌گذرد قابل قیاس نیست. **علم امروزی** انسان شکل پیش‌رفته و تکامل یافته‌ی همان علمی است که در پانصد سال پیش از میلاد

پایه‌های آن در یونان ریخته شد. **چنانچه تمام آن خردورزان** نام آور را فراموش کنید و یا وجود آن‌ها را انکار به ناچار با خردمندی بسیار نام آورتر روبه‌رو می‌شوید به نام «**آناکساگوراس**»^(۸)

آناکساگوراس به تنهایی کافی است تا نقش سازنده و کارساز علم را در این دوره به تاریخ چند هزار ساله‌ی بعد از خود بشناساند.

آناکساگوراس از ۲۰ ساله‌گی در آتن و در زیر سایه‌ی دموکراسی و پشتیبانی امپراتور آزاده‌ای چون **پریکلز** آغاز کرد. **پریکلز** همان اندازه دوست، یار و مشوق او بود که افکار عمومی، نماینده‌گان مجلس، دین‌داران و آدم‌های نادان دشمن او... **آناکساگوراس** از همان اوایل جوانی

anaxagoras



استقرار هستی شده است.

آناکساگوراس پس بحث و بررسی بسیار عمیق و طولانی درباره



شکل‌گیری هستی و حیات و گذر از لایه‌های چندصد میلیون سالی تکامل به این نتیجه می‌رسد که چهار عنصر تعیین‌کننده سرنوشت و شکل‌دهنده هستی انسان در کره زمین هستند. این چهار عنصر که مبنای بحث و تفسیر بسیاری از فیلسوفان نامی بعد از وی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: آب - آتش - باد - خاک (هوا - زمین - آب - آتش) **آناکساگوراس** نخستین فیلسوفی است عقل‌گرا که هستی یا جهان را در دو طبقه و یا دو عنصر والا و تعیین‌کننده می‌بیند که عدم وجود هر یک از این دو عنصر به معنی نفی هستی و کاینات است. این دو عنصر عالی عبارت‌اند از: ۱- ائیر یا عالم بالا ۲- هوا یا عالم زیرین.

آن چنان شیفته‌ی کهکشان‌ها، افلاک، آسمان‌ها و ستاره‌گان بود که هیچ علمی را برتر و بالاتر از گردش فکر در کهکشان‌ها نمی‌دید. **روزی شخصی** از این اندیشمند بزرگ می‌پرسد نظرش درباره پایان هستی چیست. او می‌گوید: «تحقیق در ماهیت خورشید، ماه و آسمان»

آناکساگوراس از تمام ثروت کلان‌پدیری خود گذشت و به مطالعه‌ی زمین و آسمان و کهکشان‌ها پرداخت. در کوتاه مدت نقشه‌ای بسیار علمی در زمین و آسمان کشید. وی با آن ثروت کلان‌پدیری‌اش در حالی که دانش‌مندان، روشن‌فکران و بزرگان آتن او را بزرگ‌ترین دانش‌مند کیهان‌شناس و صاحب کتاب‌های فراوانی در طبیعت و ستاره‌گان معرفی می‌کردند، در نهایت فقر و تنگ‌دستی زندگی را به تنگی و سختی می‌گذراند. **آناکساگوراس** عقیده دارد که جهان در اصل توده درهمی از عناصر مختلف بوده است شبیه موجودیت انسان. هم چنان که انسان در تسخیر عقل خویش است و از عقل است که زندگی خود را نظم و سامان می‌دهد، هستی نیز دارای عقل کلی بوده است که با پیوند دادن عناصر کاینات به یک‌دیگر باعث نظم و

وی می‌گوید خورشید و ستاره‌گان پدیده‌های خارق‌العاده‌ای نیستند که خدایان در به وجود آوردنشان نقشی داشته باشند. خورشید و ستاره‌گان دیگر و آنچه که در کهکشان و کاینات وجود دارد و زمین ما یکی از آن بی‌نهایت‌ها است پوسته‌های جامد و سرد شده از آن توده بزرگ فروزان نخستین (عقل کل) بوده‌اند که از نقطه‌ی مرکزی جدا شده و چون از سرعت غیرقابل‌تصوری برخوردار بوده‌اند مادام که در نقطه‌ی مرکزی و عنصر اصلی نیروی جاذبه وجود داشته باشد این سنگ‌ها (کرات - کره‌ها) در مدار آن کانون مرکزی می‌چرخند. بی‌گمان خورشید یکی از آن عناصری است که اینک به عنوان کانون فروزان و آتشین در نقطه‌ی مرکزی قرار گرفته و سیاراتی مانند زمین، ماه و... در مدار این گوی آتشین در حال گردش هستند و از آن نیرو می‌گیرند.

بنابراین نظریه وقتی خورشید و ستاره‌گان نزدیک ما از توده‌های فروزان سنگ‌ها که از کره‌ای بسیار بزرگ‌تر جدا شده و به وجود آمده‌اند، کرات دیگر و کهکشان‌ها نیز از این قانون کلی (عقل کل) مستثنا نیستند. و هرگاه که تمام و یا قسمتی از این ستاره‌گان (کرات) از کانون مرکزی (کانون آتش و ماده مذاب) خود دور

فردوسی



شوند سرد شده و به صورت پوسته‌های بیرونی از کره اصلی جدا شده و قسمت‌های بزرگ‌تر ستاره‌گان جدیدتری را به وجود می‌آورند و تکه‌های کوچک‌تر به شکل شهاب سنگ‌ها در فضا سرگردان می‌شوند، یا در اثر برخورد با جَو‌های مختلف ذوب شده و نابود می‌شوند و یا به ستاره‌گان دیگر (مسکونی یا غیر مسکونی) برخورد کرده و خسارت‌های فراوانی به وجود می‌آورند.

آناکساگوراس درباره کُرهِ ماه می‌گوید، جسم سخت و درخشانی است که از خود نور ندارد و سطح آن پر از دشت‌ها، دره‌ها و کوه‌ها است. ماه نور خود را از خورشید می‌گیرد و نزدیک‌ترین ستاره به زمین است. ماه گرفته‌گی (خسوف) وقتی روی می‌دهد که زمین بین خورشید و ماه قرار گیرد و سایه‌ی زمین مانع رسیدن نور خورشید به ماه شود. در این صورت چون ماه در اثر سایه‌ی زمین تاریک می‌شود در اصطلاح می‌گویند ماه گرفته است. این گرفته‌گی به نسبت

سایه‌ای که از جانب زمین، روی ماه می‌افتد متفاوت است. از کوچک‌ترین تا کامل‌ترین (ماه گرفته‌گی کامل) مراحل سایه‌اندازی زمین به روی ماه، درجات مختلف خسوف را می‌رساند. به همین نسبت وقتی که ماه بین خورشید و زمین قرار می‌گیرد چون ماه مانع دیده شدن خورشید می‌شود و سایه‌ی ماه روی زمین می‌افتد و در اصطلاح خورشید گرفته‌گی صورت می‌پذیرد که به آن «کسوف» گویند.

آناکساگوراس شاه‌کار شگفت‌انگیز برآمدن یک انسان هوشمند، خردورز و فیلسوف در ۲۵۰۰ سال پیش است. **شگفت‌انگیزتر** از این نمی‌شود که انسانی در ۵۰۰ سال پیش از میلاد دقیقاً همان‌هایی را بگوید که امروز و در آستانه‌ی قرن بیست و یکم و پس از ۲۵۰۰ سال بدون کوچک‌ترین کم و زیاد باور دانشمندان باشد.

نگاه کنید: ۱- عناصر چهارگانه آب، باد، خاک، آتش ۲- ماه گرفته‌گی ۳- خورشید گرفته‌گی ۴- تشکیل اجرام آسمانی ۵- توده مذاب مرکزی ۶- گردش عناصر جدا شده در اثر سرد شدن در مدار قدرت مرکزی ۷- تشکیل ستاره‌گان، کرات، کهکشان‌ها ۸- تولید باد ۹- ایجاد رعد و برق ۱۰- قدرت جاذبه‌ی ماده مرکزی ۱۱- تصادم ابرها ۱۲- پیش بینی وجود

- زندگی در ستاره‌گان دیگر ۱۳ -
- گازهای موجود در فضا ۱۴ - نیروی
- گریز از مرکز ۱۵ - کیفیت و کمیت ماده
- ۱۶ - تشکیل کوه‌ها، دره‌ها، آب‌ها و
- اقیانوس‌ها ۱۷ - آغاز و انجام حیات
- ۱۸ - زندگی و مرگ ستاره‌گان ۱۹ -
- نظام هستی بر مبنای قانونی و غیر
- قابل تغییر ۲۰ - کشف منطقه البروج
- ۲۱ - درجه بندی ۳۶۰ درجه‌ای مدار
- منطقه البروج ۲۲ - برج‌های ۱۲ گانه
- ۲۳ - جهان یا عالم اعلا و عالم سُفلا
- ۲۴ - عقل کل یا کانون آتش ۲۵ -
- علت رطوبت خاک ۲۶ - قانون تکامل
- انسان ۲۷ - تغییرات فیزیکی ستاره‌گان
- ۲۸ - سرد شدن و مردن ستاره‌گان
- ۲۹ - شهاب‌های سرگردان در فضا
- ۳۰ - عاریتی بودن نور ماه ۳۱ -
- گردش ستاره‌گان در مدار خورشید
- ۳۲ - حرکت وضعی و انتقالی زمین و
- ستاره‌گان دیگر ۳۳ - پی بردن به
- علت هرچیز بر اساس استدلال‌های
- علمی و عقلی و صدها استدلال و
- دست آورد علمی و عقلی دیگر



زیرنویس ها: 1 - EMPIDOCLES

2 - PARAMENDIS

3 - PHILOLAUS

۴ - منطقة البروج = بخش دایره شکلی از

آسمان است که ۱۲ صورت فلکی یا ۱۲ برج در این دایره وجود دارد. دانشمندان فضاشناس

اعتقاد دارند که خورشید در مدت یک سال این بخش دایره ای شکل را طی می کند. در عین حال

این منطقه مدار حرکت انتقالی زمین را به دور کره خورشید مشخص می کند. این منطقه به ۱۲

قسمت مساوی ۳۰ درجه ای و در مجموع ۳۶۰ درجه (محور یک دایره) تقسیم شده و در هر یک

از این ۱۲ قسمت یکی از صورت های فلکی که ما آن را «برج» می نامیم و ۱۲ برج مساوی یک

سال است قرار دارد و کره زمین در هر ماه خورشیدی در مقابل یکی از صورت های

فلکی ۱۲ گانه (۱۲ برج) قرار می گیرد. منطقه البروج در حقیقت طرح مدار زمین است

بر آسمان و آن خطی است که از برخورد سطح مدار حرکت انتقالی زمین با قسمتی از آسمان

که آن را در اصطلاح نجوم «فلک ثوابت» می گویند پیدامی شود. علت این که به آن منطقه

گفته اند به دلیل برج هایی است که در این منطقه در مدت یک سال خورشیدی ایجاد می شود.

اسامی برج های ۱۲ گانه (۳۰ درجه ای) آن دایره بزرگ عبارت است از: حمل - ثور - جوزا -

سرطان - اسد - سنبله - میزان - عقرب - قوس - جدی - دلو - حوت به شعر زیر نگاه کنید:

برج ها دیدم که از مشرق بر آوردند سر

جمله در تسبیح و در تهلیل حی لایموت

چون حمل، چون ثور، چون جوزا، سرطان و اسد سنبله، میزان و عقرب، قوس و دلو و جدی و حوت

* برای آگاهی بیش تر نگاه کنید به «مجموعه تاریخ ۴۰ جلدی قرن بیستم» کتاب اول و دوم -

انتشارات شاه نامه - محمد کریمی

5 - LEOKIPOS

6 - ZIMEQRATIS

7 - OENOPIDES

8 - ANAXAGOORAS

کمک های جانبی پریکلس پادشاه و

فیلسوف یونان نبود، **آناکساگوراس**

نیز مانند **سقراط** به نوشیدن جام

شوکران مجبور می شد. **آناکساگوراس**

توانست از زندان آنتی یان بگریزد و

ده ها سال بعد به معلمی پرداخت و

تا ۷۳ ساله گی زنده ماند و به مرگ

طبیعی درگذشت.

ادامه دارد - بقرات

منابع:

1 - NEW COLLEGE EDITION

AMERICAN HERITAGE

DICTIONARY

2 - AMERICANA ENCYCLOPAEDIA

(AMERICAN BIG DICTIONARY)

3 - A HISTORY OF POLITICAL

THEORY BY SABIN & THORSON

4 - A HISTORY OF WORLD

PHILOSOPHY BY PROGRESS

POBLISHERS

5 - A DICTIONARY OF POLITICS

BY PENGUINE BOOKS

۶- تاریخ و تمدن ویل دورانت - ویل دورانت ها

۷- تاریخ فلسفه ی غرب - لورد برتراند راسل

۸- مبانی فلسفه - دکتر علی اکبر سیاسی

۹- فرهنگ بزرگ دهخدا

۱۰- تاریخ تمدن یونان باستان

۱۱ - عصر اساتیر در یونان

باستان

۱۲ - تاریخ ایران از دوران

باستان تا قرن هجدهم (ن.و).

پیگولو سکایا - آ.یو. یاکوبوسکی

- ای.پ. پتروشوسکی -

آ.ام. بلینتسکی - ل.و. استویووا

(معروف به پنج استاد) ترجمه ی

کریم کشاورز.



گوشه هایی از باورهای این خردمند

شگفت انگیز ۲۵۰۰ سال پیش بودند

که تمام علم، اندیشه و نجوم **کپرنیک**

را که ۲۰۰۰ سال بعد از او به بار آمده

بود و تمام دانش و خردورزی ها و

فرضیه های تکامل و اصل انواع **داروین**

را که ۲۳۰۰ سال بعد از او زندگی

می کرد و صدها و هزاران دانشمند،

ریاضی دان و ستاره شناس بعد از خود

را با استدلال علمی، فلسفی و ریاضی

پیش گویی کرده بود.

دین داران خرافی و پیروان خدایان

زمینی و آسمانی سرانجام چون زبان

علمی **آناکساگوراس** را با خرافه

پرستی های خود نتوانستند پیوند بدهند،

او را ستیزه گردین، مشرک، بی اعتبار

کننده خدایان و مشوق بی دینی و حتا

ضد دینی متهم کردند و در دادگاه سیاه

جامه گان خرافی و دین باور آتن او را به

خوردن جام شوکران محکوم نمودند.

چنان چه خردمندی، آزاداندیشی و